

پژوهشی نو در پاره

روابط ایران با بیگانگان

(در سده دوازدهم هجری)



مرکز تحقیقات کامپیوتر عالی
ایران

بیت‌للم

مهندی روشن ضمیر

(دکتر در خاورشناسی)

استادیار گروه تاریخ دانشکاه اصفهان

پژوهشی نو در باره روابط ایران با بیگانگان

در سده دوازدهم هجری

۴- فرانسه

سیاست استعمار طلایی انگلیس و فرانسه و رقابت و کشمکش‌های دائمی آندو با یکدیگر در نیمة دوم قرن هیجدهم میلادی کم کم بشدت خود رسیده دامنه فعالیت‌های نظامی آنان بایران هم کشیده شده بود. در بخش تحقیقات پژوهی علوم اسلامی اول این بحث (در صفحه ۲۷۹ شماره دوم سال ششم مجله بررسیهای تاریخی) درباره حمله یک اسکادران کشتی جنگی فرانسوی به بندر عباس و خراب کردن تجارتخانه انگلیس‌ها مختصرأً صحبت شد.

مهندی روشن ضمیر
(دکتر در خاورشناسی)
« استادیار تاریخ دانشگاه اصفهان »

شخصی را بنام سیمون روانه ایران نمود. این نماینده در اوائل سال ۱۷۵۲ به همدان رسید و در آنجا، برای عوام فریبی و بجهت آنکه بهتر و آسانتر بمقصود خود نائل گردد، بدین اسلام گرווید و سپس به اصفهان روانه شد.^۱ این شخص سفیر یا نماینده رسمی نبود که بتواند با استفاده از مقام سیاسی خود بین ایران و عثمانی روابط دوستانه بوجود آورد و آنان را بر علیه روسیه متوجه نماید، بلکه هیتوان گفت سفر او فقط برای آن بود که دولت ایران را آماده چنین کاری کرده وسائل اتحاد فوق الذکر را فراهم کند.

بهر حال اقدامات وی به نتیجه نرسید.^۲ مدتی بعد یعنی در ۲۶ اوت ۱۷۶۸ (۱۱۸۲ هجری قمری) کنسول فرانسه در بصره که شخصی بنام پیروں Pyraults بود از طرف خود نماینده‌ای بشیراز فرستاد تا برای برقراری مناسبات تجاری دو کشور مذاکراتی بعمل آورد. وی پیشنهاد کرده بود که دولت فرانسه حاضر است به اندازه کافی پارچه پشمی جهت لباس سربازان با ایران حمل کرده در عوض ابریشم و پشم صادر کند.^۳

کریم خان زند که در سال ۱۷۶۳ (۱۱۷۷ هجری قمری) انحصار تجاری ایران را از دست انگلیسها گرفته و تسبیت به آنان هر روز بیش از پیش خشونت روا میداشت پیشنهاد فرانسویان را با کمال میل پذیرفته و از طرف خود نماینده‌ای به بصره فرستاد تا ضمن اظهار پذیرش پیشنهاد آنان و قبول همکاری تجاری، پیشنهاد خود را نیز به اطلاع آنان برساند. کریم خان پیشنهاد داده بود که فرانسویان باید تعهد نمایند که هر ساله مقدار دو میلیون قواره پارچه بایران ارسال دارند.^۴ بدینصورت یک معاهده تجاری بین دو کشور بسته

۱— رساله دکتر ای آقای کاظم صدر بربان فرانس درباره روابط ایران و اروپا ص ۲۳۱-۲۳۲

۲— همان کتاب همان صفحه. منابع فارسی تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد درباره آمدن سیمون به ایران چیزی تنوشته و حتی نام او را هم نبرده‌اند.

۳— نامه مورخ ۲۱ ذانویه ۱۷۸۱ کنسول فرانسه در بصره آرشیو ملی مکاتبات کنسولی بصره جلد اول نمره ۱۹۷ (نقل از دکتر هدایتی، تاریخ زندیه ص ۲۴۰)

۴— داپورت کنسول فرانسه در بصره همان آرشیو و همان نمره (نقل از دکتر هدایتی ص ۲۴۰)

شد که در آن کریم خان برای دلگرمی فرانسویان بدانان قول داده بود که جزیره خارک را برای ایجاد ایجاد مرآ کنتر تجارتی در اختیارشان بگذارد. روسای شرکت تجارتی فرانسه از این امر بسیار خوشحال و راضی شدند ولی در آن هنگام جزیره خارک هنوز در دست میرمهنا ، یاغی معروف بود و کریم خان میل داشت که فرانسویان در امر راندن میرمهنا از آن جزیره اقدام کنند.

مدیران کمپانی هند فرانسه طرح پیشنهادی کریم خان و پیرو را پذیرفتند ولی در مورد ارسال کشتی های جنگی و سرباز برای راندن میرمهنا که با کمال قدرت در جزیره خارک حکمرانی میکرد مردد بودند چون کلیه قوای خود را برای بدست آوردن نقاط از دست رفته در هند احتیاج داشتند و نمیخواستند که برای بدست آوردن امتیازی جدید خطری برای تجارت هندوستان بوجود آورند یا بهتر گفته شود مدیران هند کور خیال میکردند بهتر است که موضوع جزیره خارک را به آینده موکول نمایند.

انگلیسها که چندین بار برای برقراری روابط تجارتی و مخصوصاً گرفتن امتیاز جزیره خارک به کریم خان پیشنهاداتی داده و نمایند گانی فرستاده بودند و هر بار بدون موفقیت بازگشته بودند اکنون جدیت میکردند که عجالت آن شوند که کریم خان بار قیب آنان یعنی فرانسویان نزدیک شده و قرارداد تجارتی بینندند. چون انگلیسها خودشان دیگر راهی بدر بار کریم خان نمیافتدند پاشای بغداد را واسطه کرده از او تقاضا کردند که با کریم خان تماس گرفته و ازا قول بگیرد که جزیره خارک را به هیچیک از دول غرب و اگذار نکند^۵. از طرفی کنسول فرانسه در بصره که به اهمیت فوق العاده جزیره خارک در امر تجارت ایران آگاهی داشت سعی و کوشش میکرد که دولت متبرع خود را بهر نحوی که شده وادر به بستن قرارداد تجارتی با ایران ننماید. کنسول نامبرده در نامه خود به فرانسه چنین مینویسد:

۵- نامه مورخ ۵ آوریل ۱۷۷۱ کنسول فرانسه در بصره ، آرشیو ملی مکاتبات کنسولی بصره جلد اول نمره ۱۹۷ (نقل از دکتر هدایتی ، تاریخ زندیه ص ۲۴۱)

« وقتی رقیب ما موفق نشد جزیره خارک را بهر قیمتی که هست بدست آورده اکنون با تمام قوا میکوشد تازو اگذاری آن بمالوگیری کند...»^۶ در ناهای که پیرو چندماه بعد به مدیران کمپانی هند فرانسه مینویسد در خواست میکند که هدایائی برای سران خاندان زند بفرستند تا بهر قیمتی شده امتیاز جزیره خارک را بدست آورند. نامبرده حتی سهم هریک از سران زند را بشرح زیر تعیین مینماید:

کریم خان ۲۵۰۰۰ روپیه ابوالفتح خان ۷۰۰۰۰ روپیه دوبرادر کریم خان- زند جمعاً ۳۰۰۰ روپیه شیخعلیخان زند ۳۰۰۰ روپیه فراهانی وزیر ۲۰۰۰ روپیه^۷. پیرو برای اهمیت دادن به پیشنهاد خود در پیابان نامه مینویسد «تنها توپخانه این جزیره بمراتب از این مبلغ بیشتر ارزش دارد.»^۸ در همان حال کنسول نامبرده نماینده‌ای بشیراز فرستاد تا وسائل انعقاد قرارداد را آماده نماید.

نماینده هدکسوار پس از چند ماه اقامت در شیراز نامه‌ای به کنسول نوشته اطلاع داد که کریم خان جواب صریح خواسته و همیرسد آیا دولت فرانسه میتواند هر ساله سه میلیون قواره پارچه‌مورد احتیاج ایران را تأمین کند و اضافه کرده بود که کریم خان تقاضا کرده است که دولت فرانسه هرچه زودتر بایستی پاسخ بدهد تا در صورت منفی بودن آن، دولت ایران بتواند با دولت خارجی دیگر وارد مذاکره شود.^۹ با وجود تمام این کوششها یکسال هم سپری شد و از دولت فرانسه پاسخی نرسید. کنسول نامبرده در ماه ژوئن ۱۷۷۲ نامه‌ای به دولت متبوع خود نوشته با اصرار تمام

۶- همان نامه و همان صفحه

۷- همان نامه ص ۲۴۲-۲۴۱

۸- نامه مورخ ۵ آوریل ۱۷۷۱ (نقل از دکترهدایتی ص ۲۴۱)

۹- نامه مورخ ۳۰ اوت ۱۷۷۱ کنسول فرانسه در بصره، آرشیو ملی فرانسه مکاتبات کنسولی بصره جلد اول نمره ۱۹۷ (نقل از دکترهدایتی ص ۲۴۲)

خواهش نمود که با اجازه دهنده که بفرانسه بازگشته مزایای تجارت با ایران را اثبات کند.^{۱۰} این ناهه هم بدون اثرماند.

در نامه بعدی وی، در گزارشی که تهیه نموده بود کوشش بیهوده خود را شرح داده و از اینکه به تقاضای او اصلاح پاسخی نداده اند اظهار دلتنگی نمود.^{۱۱} زحمات و کوشش‌های متواتی پیرو بالآخره به نتیجه فرسید و این کنسول در وبای سال ۱۷۷۳ میلادی بصره در گذشت^{۱۲} کنسول جدید فرانسه بنام روسو شخصی ادیب بوده که سالهای زیادی از عمر خود را در ایران گذرانیده و بهمین جهت بزبان فارسی و عربی آشنائی کامل داشت. پدر روسو جواهر-ساز مخصوص دربار شاه سلطان حسین بود. پس از مرگ نادرشاه و ظهور انقلاب و هرج و مرج در ایران روسو ایران را ترک کرده ببصره رفت و پس از مرگ پیرو در سال ۱۷۷۳ بجانشینی وی منصوب شد.^{۱۳} این شخص نیز نقشه پیرو را تعقیب نمود و حتی کوشش بیشتری نیز مبذول داشت.

در این میان کریم خان که برای سرکوبی میرمهنا از کمکهای خارجی همایوس شده بود و از طرفی حمله مستقیم به جزیره خارک را بی اثر میدانست لشکر زیادی فراهم آورده در سال ۱۱۸۳ هجری (۱۷۶۹ میلادی) آنرا بسرداری زکی خان مأمور سواحل خلیج فارس نموده فرمان داد که کوشش شود تا در تمام نقاط از ارسال آذوقه برای میرمهنا جلوگیری بعمل آید. این امر سبب شد که در میان اطرافیان میرمهنا اختلاف بوجود آید. یکی از نزدیکان میرمهنا بنام حسن سلطان بر علیه او قیام نمود و میرمهنا که غافلگیر شده

۱۰- همان نامه و همان صفحه

۱۱- نامه مورخ ۲۰ اوت ۱۷۷۲ همان کنسول و همان آرشیو (نقل از دکتر هدایتی - ص ۲۴۳)

۱۲- نامه مورخ ۳۱ دانویه روسو کنسول جدید فرانسه در بصره همان آرشیو و همان نعره (نقل از هدایتی ص ۲۴۳)

۱۳- تاریخ ذنده دکتر هدایتی ص ۲۴۳ و کریم خان زند، دکتر نوابی ص ۲۲۸
(۵)

بود بطرف بصره فرار کرده در آنجا بفرمان عمر پاشا حاکم بغداد کشته شد.^{۱۴} حسن سلطان نسبت به کریم خان اظهار اطاعت نموده و جزیره خارک مجدداً بدست کریم خان افتاد. کنسول فرانسه که در این حالت موضوع کمک نظامی با ایران را هنتفی میدانست بفکر افتاد که هر چه زودتر موضوع معاهده تجارتی و انحصار جزیره خارک را مجدداً به پیش بیاورد. کریم خان هم که برای لباس سربازان خود احتیاج مبرمی به پارچه داشت و از طرفی برای گوشمالی به انگلیسها در صدد یافتن فرصت بود میل داشت که با رقیب آنها، یعنی با دولت فرانسه، معاهده تجارتی بینند و لی فرانسویان، یا بهتر گفته شود مدیران کمپانی هند فرانسه، در خواب خرگوشی فرو رفته تمام حواس خود را متوجه هندوستان هینمودند و نسبت به تقاضای کنسول خود در بصره اظهار علاقه‌ای نکرده بتقادرهای وی پاسخ هشتبی ندادند.

کریم خان در سال ۱۷۷۷ میلادی (۱۱۹۱ هجری قمری) نامه‌ای به روسو نوشت و از او دعوت کرد تا برای انقداد قرارداد تجارتی شخصاً به شیراز مسافرت نماید ولی چون روسو هنوز جواب هشتبی از مدیران کمپانی هند فرانسه دریافت نکرده بود، نمیتوانست تصمیمی اتخاذ کند.

روسو در نامه‌ای که در ۲۳ زوئن ۱۷۷۷ نوشته بدین‌طلب اشاره کرده است.^{۱۵}

در هر حال کوششهای هدام کنسول فرانسه در بصره برای بستن قرارداد تجارتی با ایران بواسطه تردید مدیران کمپانی هند فرانسه و مسئولین مربوط به نتیجه نرسید.

۱۴- پارسونس ص ۱۹۶ بعد / ویلسون ص ۱۸۲ / لو س ۱۶۵ / گیتی گشا نامی ص ۱۶۵ بعد / فارسانمه ناصری ص ۲۱۷ / دستم التواریخ نسخه خطی بر لین ورق ۴۰۶ الف و ب / تاریخ ایران ملکلم ج دوم ص ۱۳۶-۱۳۵ / روضة الصفا ناصری ج نهم ص ۸۳ / گلشن مسراد نسخه خطی کتابخانه ملک تهران ورق ۸۵ الف بعد
۱۵- آرشیو ملی فرانسه مکاتبات کنسولی بصره جلد اول نمره ۱۹۷ (نقل از هدایتی - ص ۲۴۴)

در سال ۱۷۸۰ یعنی پس از مرگ کریم خان زند کنسول فرانسه در راه بازگشت بکشور خود گزارشی به پاریس فرستاد و در آن باطلاع وزارت داریاداری فرانسه رسانید که وی حامل فرمانی راجع به امتیازات تجاری برای فرانسه میباشد.^{۱۶} ولی در این تاریخ هرج و مر ج عجیبی در ایران بوقوع پیوسته بود و جانشینان کریم خان باهم بزد و خورد مشغول بودند و در این هنگام ابوالفتح خان یا صادق خان زند در شیراز حکومت میکردند یا بهتر گفته شود چنانچه گزارش کنسول فرانسه درست باشد فرمان نامبرده بایستی بهمراه وامضاء ابوالفتح خان زند بوده باشد.

کنسول فرانسه گزارش دیگری در تاریخ ۱۲ ژانویه ۱۷۸۱ بفرانسه فرستاد و در آن مجدداً لزوم رابطه تجاری با ایران را تأکید کرد. در این گزارش وی یادآوری نمود که وضع ایران آرام و برای تجارت موقعیت مناسبی وجود دارد حتی راههای تجاری را نیز معرفی کرد. از جمله یکی راه افریقای جنوبی و دیگری راه امپراتوری عثمانی و بالاخره چنین مینویسد: «اینجانب درمورد کمکی که دولت فرانسه هیتواند بایران بکنداصرار دارم، مامیتوانیم باین کشور علیه دشمن داخلی و خارجی آن کمک کنیم بدون اینکه مأخذ روزی در زهره دشمنان آن در آئیم چه ما هر گز بفکر آن نبوده ایم که از سرحد فرات تجاوز کنیم. بدون این کشور ما نخواهیم توانست نقشه تجاری خود را اجرا کنیم و آنچه را که روسها از این کشور گرفته اند از تو مسترد داریم. با غوفدی که ما در اروپا داریم میتوانیم برای ایران متحدیشی بیابیم تا این کشور امپراتوری وسیع روسیه را که قصد دارد سراسر مناطق شمالی را اشغال کند، هور دحمله قرار دهد.»^{۱۷}

۱۶- نامه مورخ ۱۹ اوت سال ۱۷۸۰ روسو. همان آرشیو و همان نمره (نقل از هدایتی ص ۲۴۵)

۱۷- گزارش کنسول فرانسه مورخ ۱۲ ژانویه آرشیوملی مکاتبات کنسولی بغداد جلد دوم (نقل از هدایتی ص ۲۴۶-۲۴۵)

در همین گزارش کنسول نامبرده درباره لزوم اتحاد با دولت ایران چنین اظهار میکند:

« هیچ چیز بیهوده تراز این نیست که هزایای فرانسه را در عقد این اتحاد با دولت ایران بنظر مقام وزارت برسانم چه مقام وزارت باندازه‌ای بصیر هستند که در همان نظر اول تمام اهمیت این مسئله را در راه خواهند کرد. بدون خرج و زحمت ما میتوانیم در راه‌ای کشور وسیعی را بسوی خود باز کنیم که کافی است خاک حاصلخیز آفران را کشت کرد تا محصول صد برابر بددست آورد. »^{۱۸}

همان با اعقاد معاہده صلح و رسای یعنی در سال ۱۷۸۳ دربار فرانسه کنت دوفریر سووبوف Conte Louis Francois, de Frieres Sauveboeuf را با هیئتی بطرف ایران روانه نمود.^{۱۹} این گروه در ۲۲ یولای از پاریس حرکت کرده و در ۳۱ آذانیه ۱۷۸۴ به غداد رسیدند.^{۲۰} هیئت مذبور مأموریت داشت که در ایران کوشش کند تاریخ ابیان اتریش و روسیه با ایران را بهم زده و دو کشور ایران و قریکیه عثمانی را بهم نزدیک نموده ارتض آنها را بر علیه روسیه تجهیز کند.^{۲۱}

در پنجم هارس ۱۷۸۴ کنت دوفریر سووبوف وارد اصفهان شد و بگفته خود وی، توسط میرزا ربع اصفهانی وزیر علی مرادخان زند^{۲۲} با گرمی تمام مورد استقبال قرار میگیرد. قبل از ورود وی، سفیر روسیه در ایران بسر میبرد و مذاکراتی بعمل آورده بود. ورود سووبوف و همراهانش درست مطابق

۱۸- همان گزارش و همان آرشیو

۱۹- رساله دکترای آقای کاظم صدر بربان فرانسه درباره روابط ایران و ادویا ص ۲۳۶

۲۰- همان کتاب و همان صفحه

۲۱- لانگ ۲۰۸ ص

۲۲- دستم التواریخ نسخه خطی برلین ورق ۴۴۵ الف / تاریخ زندیه علیرضا بن -

عبدالکریم ص ۲۳

با روزی بود که سفیر روسیه اصفهان را ترک گفت. ۲۳ در ملاقات رسمی که بین سووبوف و میرزا ربیع بوقوع پیوست سووبوف چنین گفت: « من با کلمات خود بدشمنان شما حمله نمیکنم بلکه فقط دست آنها رومیکشم. پادشاه فرانسه از بدبهختی، که بواسطه اعتماد کورکورانه که بزودی بدان مبتلا خواهد شد، سخت نگران است. این امر درست مانند همان سرنوشتی است که ملت همسایه شما (عثمانی) در انتظارش میباشد. سود شمار آنست که بجای دوستی باروسها، با تراکها همدست شوید. آقای وزیر، شاه فرانسه هنگامی زور بکار میبرد که با آن مناسبات بین ملتهارا برقرار سازد تا آنچه بدانان متعلق میباشد بخودشان واگذار نماید. تمنای شاه فرانسه آنست که علی مرادخان نظر خود را اعلام دارد در ضمن هیل دارد که مناسبات تجاری بین فرانسه و ایران همانند زمان صفوی بسیار رونق بگیرد. ۲۴

از سفارت سووبوف هم نتیجه‌ای حاصل نشد. این موضوع را از نامه‌ای که وی راجع به بی‌نتیجه بودن و به ثمر فرسیدن همسافرتش بایران نوشته معلوم میگردد:

« . . . شما می‌نویسید که من کاری انجام دهم. شما چه وسائلی در اختیار من نهاده‌اید؟ من باید با ۱۰۰۰ کاری را با تجارت بر سانم که رقیب با بیشتر از ۳۰۰۰ کو مشغول انجام آنست. من باید بدون هیچ نوع معرفی نامه و بدون دردست داشتن هیچ نوع عنوانی به درباری مراجعته کرده باشان تماس بگیرم و در عقاید او نفوذ کرده و حتی نظر اورا عوض کنم. ۲۵

با مرگ ناگهانی علی مراد خان در اول ربیع الثانی ۱۱۹۹ هجری (۱۱-۱۷۸۵) و روی کار آمدن آقامحمد خان قاجار که در ابتداء با کاترین

۲۳- تاریخ سیاسی سووبوف ص ۲۹/ یورگاچ پنجم ص ۳۹

۲۴- رساله دکترای آقای کاظم صدر ص ۲۳۷

۲۵- écus واحد پول فرانسه در سده ۱۷ و ۱۸

۲۶- رساله دکترای آقای کاظم صدر ص ۲۳۷-۲۳۶

دوم روسیه کنار آمده بود کنست دوفریر سووبوف از ایران اخراج گردید.^{۲۷} انقلاب فرانسه، درادامه مناسبات بین آن کشور و ایران وقفه حاصل شد و بر روابط میان این دو کشور در این دوره لطمہ شدیدی وارد آمده بکلی از بین رفت.

۴- روسیه

دولت روسیه از اوایل قرن ۱۷ میلادی که شاه عباس به گرجستان و قفقاز لشگر کشی نمود متوجه این نواحی شده پیوسته در پی فرصت مناسبی بود تا در امور آنجا دخالت نموده آن ناحیه را بدست آورد.

میخائیل فدرورویچ Michael Federowitch تزار روسیه پس از تاج-گذاری خود در سال ۱۶۱۳ میلادی (۱۰۲۲ هجری قمری) سفیری با ایران فرستاد. هدتی بعد یعنی در سال ۱۶۱۸ میلادی سفیر دیگری با ایران فرستاد که مقصود از آمدن وی گفتگو درباره اهور بازار گانی و گرفتن کمک مالی از ایران برای دولت روسیه بود. در این هنگام روسیه گرفتار جنگ با سیمون سیمونوند Sigismund پادشاه لهستان بود لذا بکمک احتیاج فراوانی داشت. بالاخره با ارسال سفرائی چند دولت روسیه تو انشت روابط نزدیک و دوستانه‌ای با ایران بوجود آورد. در سال ۱۷۱۷ میلادی (۱۱۳۰ هجری) دولت ایران بر سهها اجازه داد قادر گیلان کنسولگری دائمی برقرار نمایند.

سقوط دولت صفوی و شروع آشوب و ناامنی در ایران ، تزار روسیه را بفکر دست اندازی و تجاوز به خاک ایران انداخت. در سال ۱۷۲۲ میلادی (۱۱۳۵ هجری) پتر کبیر پس از بستن اتحاد نظامی با گرجی‌ها متوجه ایران شده سپاهی بسوی گیلان و نواحی شمالی ایران گسیل داشت .

۲۷- در سال ۱۷۹۰ سووبوف سیاحت نامه‌ای بنام

Memoires historiques, politiques et géographiques, Paris 1790 در دو جلد منتشر نمود که میتوان آنرا یکی از بهترین منابع اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در آن زمان بشمار آورد.

روسها با ورود خود به این نواحی بخصوص در گیلان و آستارا دست
بساختن بناهای نظامی زدند. ۲۸

او ضاع اقتصادی و اجتماعی این ناحیه و مردم آن در اندر هجوم روسها
واز طرفی بروز وبا وطاعون بکلی مختل شد و شهرها از سکنه تقریباً خالی
شدند بودند. گرجی‌ها که سالهای تبعه ایران بودند از این موقع سوء استفاده
کرده سپاهی بزرگ فراهم کرده بکمک روسها اقدام نمودند. ۲۹
پس از آنکه روسها شهرهای در بندو با کورا بتصرف آورده شاه طهماسب
دوم (۱۱۴۴ تا ۱۱۴۵ هجری قمری) ناچار شد که با روسها قراردادی بسته
بیشتر شهرها و نواحی شمالی را در اختیار آنان بگذارد. ۳۰

اشرف افغان هم چون قدرت مقابله با روسها را نداشت ناچار شد پس از
شکستی که در نزدیکی گیلان از آنان خورد به توقعاتشان پاسخ مشبت بدهد.
جانشینان پتر کبیر سیاست استعمار طلبانه اورا که پیوسته در صدد بود
از راه شمال ایران به هندوستان دسترسی پیدا نماید تعقیب نکردند و حتی
در قراردادی که در سال ۱۷۲۹ میلادی (۱۱۴۲ هجری قمری) در رشت با ایران
بستند از مازندران و استرآبادهم صرف نظر نمودند. در همین سال چون نادر،
اشرف افغان را شکستداده بود روسها ناچار شدند خود بخود مناطق اشغالی
را ترک نمایند. از طرفی در این هنگام در روسیه حکومت جدیدی بروی
کار آمد و آنا ایوانوونا Anna Iwanowna در سال ۱۷۳۰ میلادی (۱۱۴۳-
هجری) بعنوان تزار بتخت سلطنت نشست (۱۷۳۰ تا ۱۷۴۰ میلادی).

تزار جدید روسیه در سال ۱۷۳۲ میلادی از تمام متصرفات خود در ایران
دست کشید و نواحی گرجستان مجدداً در اختیار دولت ایران قرار گرفت.

۲۸- محمدعلی حزین مؤلف کلیات حزین و تاریخ حزین در این موقع در گیلان بسر برده و ناظر
این جریانات میبوده (کلیات حزین من ۷۷ تا ۶۰)

۲۹- مانولیچ ویلی من ۳۱۵

۳۰- کرامر من ۱۰

طبق اظهار نظر گوستاو کرامر (G. Krahmer) مخارج زیاد نگهداری سپاه و ازدست دادن تعداد فراوانی سرباز دراثر بیماریهایی که در باطلاقوهای گیلان بروز میکرد، باعث اتخاذ این تصمیم از طرف دولت روسیه شده بود.^{۳۱} در تاریخ ۲۱ زانویه ۱۷۳۲ روسها باشه طهماسب دوم قراردادی بستند وطبق آن از متصرفات خود تا رود کورا (رود کورش) صرفنظر نمودند.^{۳۲}

نادر هدتی بعد طهماسب دوم را از کار برکنار کرد و خود رسماً شاه ایران شد و بلافصله سفیری بکشور روسیه فرستاده تخلیه سایر نواحی اشغال شده را از آستان خواست. بالاخره پس از چندی نادرشاه روسها را مجبور کرد تا طبق قرارداد سال ۱۷۳۵ (۱۱۴۸ هجری) کلیه آن نقاط از جمله نواحی گنجه، بساکو و دربند را تخلیه کرده در اختیار حکمرانان ایران بگذارند. گرچه این قرارداد بنا برگفته کرامر مخصوص دوستی خالصانه روسها نسبت با ایران (!) منعقد گردیده بود ولی از آن ببعد تا هدتی روابط سیاسی دو دولت ایران و روس بکلی قطع شد.^{۳۳} با وجود این قطع رابطه بین دو کشور باز رگانان بدان اهمیتی نداشته بکار خود ادامه نمیدادند.

باز رگانان روسیه ازاواسط قرن هفدهم میلادی درامر باز رگانی با ایران کوشش فراوانی داشتند چون از این راه استفاده های بسیار کلانی عایدشان میشد. این باز رگانان از سال ۱۶۶۴ میلادی طبق فرمان مخصوصی که از شاه ایران دریافت نموده بودند بدون پرداخت گمرک و مالیات بکار خود ادامه نمیدادند.^{۳۴} این استفاده سرشار روسها از تجارت در ایران باعث حسادت ملل دیگر اروپائی شد. پس از هر گ نادرشاه هنگامیکه خزانه های او بدست

۳۱- کرامر ص ۱۱

۳۲- همان منبع همان صفحه

۳۳- همان منبع ص ۱۴

۳۴- همان منبع ص ۸

سرداران و اطرا فیان به غارت رفته بود تجارت روسي هوقع را مفتثم شمرده بيش از پيش بفکر بهره برداری افتادند.

سفیر فرانسه در نامه‌ای که بدولت متبوع خود مینويسد چنین گزارش میدهد: «روسها تجارت خارجي ايران را بخود هنحصر نموده و از اين راه ثروت زبادي بدست ميا آورند. پس از مرگ نادرشاه طلا و جواهرات بـی اندازه در ايران دست بدست گشته وارزش واقعی خود را از دست داده است. بسيار لازم و ضروري است که ماهم به اين تجارت پر سود دست انداخته رقيب روسها شويم تاز ثروتمندشدن و نير و مندشدن روسها نيز جلو گيري بعمل آوريم ...»^{۳۵}

وضع گمرکي نيز بي اندازه بنفع روسها بود و از كالاهای آنان مالياتی گرفته نميشد و يا با اندازه‌اي قليل بود که بنظر تميازد. پس از گشتهشدن نادرشاه هنگامیکه محمدحسن خان قاجار حکومت نواحي شمالی ايران از جمله گilan را با نير و نظاهي بدست آورد قانونی جديد برای گرفتن گمرک و ماليات از تجار وضع نمود.

طبق اين قانون تجار روسي که كالاهای خود را از راه حاجي طرخان به بندر انزلی (بندر پهلوی کنوئي) وارد ميکردد از پرداخت عوارض گمرکي معاف بودند فقط ملزم شدند که تعداد بسته‌های کالا و مال التجاره‌هائی را که بفروش ميرسانند باطلاع اداره گمرک رسانيد و نام خريداران را نيز اعلام دارند. بطوريکه بنظر ميرسد عوارض گمرکي که طبق قانون جديد باين كالاهای تعلق ميگرفت پنج درصد قيمت اصلی كالاهابود که از خريدار گرفته ميشد. اما چنانچه تجار روسي كالاهای خود را بدرشت وارد ميکردد ملزم بودند همان مالياتي را که از ايرانيان گرفته ميشد بپردازنند.

با زرگانان روسي که به ندادن گمرک و ماليات عادت کرده بودند بدادن عوارض گمرکي راضي نبوده در صدد برآمدند از پرداخت آن

۳۵- آرشیو ملي مکاتبات کنسولی فرانسه جلد هفتم نمره ۷۳ (نقل از صدر ۲۳۱)

معاف گردند . کنسول روس بنام گاوریه لوسمنو ویچ بو گولوبو Gawrielo Semenowitsch Bogolubow توانت پس از رفت و آمدهای زیاد و گفتگوهای پی درپی باهدایت الله خان گیلانی حاکم رشت تجبار روس را از پرداخت این گمرک و مالیات معاف کند .^{۳۶}

یکی از کلاهای صادراتی ایران که بسیار مورد پسند اروپائیان بود پارچه های کتانی بنام قدک بوده که روسها از راه دریای خزر صادر میکردند . بقول موریه روسها از این پارچه برای لباسهای زیر سر بازانشان استفاده میکردند.^{۳۷} هنگامیکه روسها گرفتار جنگ با عثمانیان بودند نقشه های استعمار طلبانه پسر کبیر را عجالتاً در بوته فراموشی نهاده بودند ولی زمانیکه گرجیها (مخصوصاً در قسمت های کاخت و کارتلی) بواسطه اغتشاش و جنگهای داخلی در مر کز ایران بفسکر خود مختاری افتداده بودند روسها موقع را مناسب یافته مشغول تحریک آنان شدند تا از آب گلآلود ماهی بگیرند .

در سال ۱۱۸۰ هجری (۱۷۶۶ میلادی) یک گروه نمایندگی بازار گانی روسیه در شیراز بخدمت کریم خان زندر سید و هدایای جالبی تقدیم وی نمودند . نمایندگان مزبور توانستند هوافقنامه ای (احیاناً برای انجام امور بازار گانی) از کریم خان گرفته مراجعت نمایند .^{۳۸} ده سال بعد هنگامیکه سپاه ایران مشغول محاصره بصره بود بکریم خان خبر رسید که روسها در دربند پیاده شده اند که از آن راه به عثمانیان حمله کنند . کریم خان فوراً نامه ای به فتحعلی خان قبه ای ، یکی از بزرگان آن ناحیه نوشته بدو فرمان داد که از روسها جلو گیری بعمل آورده آنان را پس راند . کریم خان فرهانی هم در این زمینه به حاکم رشت نوشته همان دستور را صادر نمود .^{۳۹} این دو سردار توانستند

۳۶ - رک به او لیویه سوم ص ۱۸۹

۳۷ - همان کتاب ص ۱۵۶

۳۸ - گلشن مراد نسخه خطی کتابخانه ملی ملک تهران ورق ۸۹ ب

۳۹ - رسم التواریخ نسخه خطی برلین ورق ۳۷۶ الف وب / گلشن مراد ورق ۳۳۹ ب بعد /

دورن ص ۵۳۱

سپاه روس را که بالغ بر چهل هزار نفر بودند شکست داده مجبور به عقب نشینی کنند. کریم خان بواسطه این پیروزی فرمان حکومت شیروان و نواحی آذرا بنام فتحعلی خان قبه‌ای صادر کرده برای او فرستاد . ۴۰

در اواخر دوران زندیه یعنی در سال ۱۱۹۷ هجری (۱۷۸۱-۸۲ میلادی)

چند کشتی روسی تحت فرماندهی گراف ووینوویچ Graf Woinowitsch برای انجام مقاصد استعمار طلبانه خود در سواحل استرآباد نزدیک اشرف لنگرانداخته تقاضای گرفتن پروانه ساختمانی جهت بنای مرکز تحقیقاتی نمود. رضاقلی خان هدایت در این باره چنین گوید : «اجمال این تفصیل آنکه کرافس-نامی روسی با جمیعی از روسها در اواخر دولت کریم خان بر سبیل تجارت از دریای خزر بساحل بندر انزلی نزول کرد چندی در رشت هیکشت و آنجا به آمل و ساری و بارفروش آمد و سواحل و بنادر و هواضع معابر قریب به ساحر خزر را بدقت سیر و نظاره می‌کرد و با شرف و فرح آباد رفت و صورت کوه و صحراء و جنگل و دریا و عجایب عمارات و قصور و غرایب و حوش و طیور را بر صفحه قرطاس منقوش کرده حصول بلدیت بلاد و معابر و مراصدرا قاصد بود در این سال که شهریار بیهمال بگیلان نهضت فرمود کرافس نام روسی که گرگی بود در لباس میش و بیهانه تجارت و معامله بدارالمرز آمده قصد کاری بزرگش در پیش بود با چند فرونده کشتی که در هریک اسباب و ادوات رزم و حرب و اسلحه و پر اق طعن و ضرب توده توده و بسته بسته و دسته دسته آماده داشت با اهالی کشتی و مایعات کار نرمی و درشتی در محاذات کراو دین اشرف قریب بساحل لنگران افکند و از شاهزاده آزاده فتحعلی خان جهان بانی که بر نیابت عم امجد در مازندران ایالت داشت استدعای قطعه زمینی که او و همراهان او را کفایت کند کرد که در آن محل عمارتی سازد و جسارتی آغازد تا در هنگام فرصت همگر کاری از پیش برده باشد و همانا که شاهد این مسئول بنا بر امتحان مقبول افتاد و آن طائفه خائن از سفایین بر آمده بیع و شری را بهانه کرده امتعه نفیسه

خود ببهای رخیصه هیفر و ختند و اقمشه نفایه مردم را بقیمت گرانمایه میخریدند تا از آلات و ادوات آهنین حصاری متین برپا کردند و هرغان وحشی رستاقی دارالمرز را بدانه ریزی دردام امتنان می‌آوردند...^{۱۴}

آقا محمدخان قاجار که پی به نیت خائنانه روسها بود فرمانی جهت فتحعلی خان برادرزاده خود صادر کرده دستور توقیف آنان را صادر نمود. فتحعلی خان هم طبق آن دستوری کی از نزدیکان خود بنام حاجی محمد آقای عمرانلو را مأمور توقیف آنان نمود و پس از اجرای امر همکی را روانه کشورشان روسیه نمودند.^{۱۵} از طرف دیگر مقاصد استعمار طلبانه روسها بواسطه قدرت دولتمر کزی ایران که در دست علی مرادخان زند بود نمیتوانست بمرحله اجرا درآید لذا از دردیگر وارد شده در سال ۱۱۹۹ هجری (۱۷۸۴-میلادی) سفیری بدربار علی مرادخان زند به اصفهان فرستادند. سفیر نامبرده از علی مرادخان زند تقاضای انحصار تجارت گیلان و هزار دران و پروانه بنای یک ساختمان در ساحل شهر دربند نمود. علی مرادخان پس از مدت‌ها تفکر به تقاضای سفیر روس جواب مثبت دادند.^{۱۶} ولی بلا فاصله پس از رفتن این سفیر نماینده غیررسمی فرانسه بنام فریدر سو و بووف به اصفهان وارد شده بخدمت علی مرادخان بار می‌یابد.^{۱۷} وظیفه نماینده دولت فرانسه آن بود که نفوذ روسها را در دربار ایران کم کرده از اداءه تجارت آنان جلوگیری نماید. ولی بسبب

۱۶- روضه الصفاچ نهم ص ۱۷۲ تا ۱۷۴

۱۷- همان کتاب ص ۱۷۴ / روسها باز هم از تعقیب نقشه خود دست بر نداشتند. کاترین دوم در سال ۱۷۸۳ قراردادی با هراکلیوس دوم حاکم گرجستان دست و طبق آن قرارداد اجازه داشت بنواحی فقاز حمله کرده راه خود را بسایران و سپس هند باز نماید (ساندرس) ص ۲۳۹ و ۲۰۷ مانو لیچ ویلی ۳۳۵ - ۳۳۴ / کرامر ص ۱۵

۱۸- در اینجا باید در نظر داشت که علی مرادخان گرفتار قیب سرسرخت و خطرناکی در شمال ایران شده بود بنام آقامحمدخان قاجار لذا ممکن است قبول تقاضای سفیر روسیه از طرف علی مرادخان برای جلوگیری از توسمه نفوذ روزافرون رقیب نامبرده بوده است.

۱۹- سو و بووف ج دوم ص ۲۹۰ / لانگ ص ۲۰۸

هر گ علی مرادخان (اول ربیع الاول ۱۱۹۹ هجری ۱۷۸۵ میلادی) نتیجه مذاکرات وی با سووبوف پنهان مانده و معلوم نیست چه تصمیمی اتخاذ نموده بود.

با روی کار آمدن آقا محمدخان قاجار در روابط سیاسی ایران و روس تحولات جدیدی بوجود آمد که محتاج به بحث جدا گانه‌ای است.

منابع و مأخذ :

۱ - کتب ایرانی :

کاشن مراد ، میرزا ابوالحسن غفاری کاشانی ، نسخه خطی کتابخانه ملک تهران

رستم التواریخ ، محمد‌هاشم رستم الحکما (خوش حکایت. آصف) نسخه خطی برلین

تاریخ زندیه ، علیرضابن عبدالکریم . چاپ لیدن ۱۸۸۸ میلادی

تاریخ کیتی گشا ، میرزا میحیم صادق نامی . چاپ تهران ۱۳۱۷

فارسنامه ناصری جلد اول ، حاجی میرزا محمد‌حسن فسائی چاپ سنگی تهران ۱۳۱۳

کلیات حزین ، محمدعلی حزین ، چاپ سنگی کانبور ۱۸۹۳ میلادی

روضه‌الصفای ناصری جلد نهم چاپ قم ۱۳۲۹

تاریخ زندیه ، دکتر هادی هدایتی ، تهران ۱۳۳۷

کریم خان زند ، دکتر عبدالحسین نوائی ، تهران ۱۳۴۴

۲ - کتب خارجی :

Parsons, Abraham :

پارسونس

Travel in Asia and Africa, London 1808

Sauveboeuf, de Frieres, Comte Louis Francois :

سووبوف

Memoires historiques, politiques et geographiques, Paris 1790

- Malcolm, Sir John : ملکلم
The History of Persia, London MDCCXV vol. II
- Wilson, Arnold T. : ویلسون
The Persian Gulf, Oxford 1928
- Jorga, N. : یورگا
Geschichte des osmanischen Reiches, Bd. IV und V
- Lang, David Marshall : لانگ
The last years of the Georgian Monarchy 1658-1832, New York 1957
- Low, Charles Rathbons : لو
History of the Indian navy 1613-1863, London 1877, I Bd.
- Sadr, Kazem : کاظم صدر
Relations de l'Iran avec l'Europe de l'Antiquité, du Moyen-age...
Paris 1938
- Manvelichvili, Alexandre : مانولیچ ویلی
Histoire de Géorgie, Paris 1951
- Krahmer, Gustav : کرامر
Die Beziehungen Russlands zu Persien Bd. VI, Leipzig 1903
- Olivier, G. A.: او لیویه
Reise durch das türkische Reich, Egypten und Iran während der
Jahre 1792 bis 1798, wien 1809
- Dorn, Bernhard: درون
Beiträge zur Geschichte der kaukasischen Länder u. Volker ...
ed. Leipzig 1967
- Reineggs, Jakob : راینگ
Allgemeine historisch - topographische Beschreibung des Kaukasus,
Gothae u. St. Petersburg 1796
- Sanders, A. : ساندرس
Kaukasien, München 1942